



The University of Tehran Press

## The Right to Legal Recourse Against Individuals with Diplomatic Immunity: Challenges and Solutions

Farnaz Raeeskazemi<sup>1</sup> | Hossein Ale Kajbaf<sup>2</sup> | Soheyla Koosha<sup>3</sup>

1. Corresponding Author; PhD student of International Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.  
Email: [f.raeeskazemi@student.pnu.ac.ir](mailto:f.raeeskazemi@student.pnu.ac.ir)
2. Associate Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.  
Email: [dr.alekajbaf@pnu.ac.ir](mailto:dr.alekajbaf@pnu.ac.ir)
3. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.  
Email: [dr.koosha@jonoub.tpnu.ac.ir](mailto:dr.koosha@jonoub.tpnu.ac.ir)

Article Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> <hr/> <p><b>Pages:</b> 2669-2688</p> <hr/> <p><b>Received:</b> 2023/10/17</p> <p><b>Accepted:</b> 2023/12/23</p> <p><b>Published online:</b> 2024/12/21</p> <hr/> <p><b>Keywords:</b> <i>diplomatic immunity, diplomatic abuse, crimes, international diplomatic criminal court, international relations.</i></p>	<p>Diplomatic immunity, as a concept of international law, plays a significant role in maintaining diplomatic relations between countries and the rights and freedoms of diplomats. The principle of diplomatic immunity enables diplomats to be protected from legal prosecution for violations of the laws of the host state. Granting extensive immunity to diplomats may sometimes seem to conflict with the fundamental right to seek justice for individuals whose rights have been overlooked by diplomats. Therefore, this article aims to address questions related to existing solutions regarding diplomatic crimes, avoiding instances of diplomatic abuse, ensuring the rights of victims, and the challenges ahead. The research methodology in this study is based on an explanatory-analytical approach. The results indicate that to preserve individuals' right to seek justice and reduce crimes committed by diplomats through their common abuses of diplomatic privileges and immunities, there is a need to amend the Vienna Convention and the laws of countries concerning diplomatic rights, as well as to establish an international diplomatic court to improve the performance of diplomats and restore the status of crime victims to their former state.</p>
<p><b>How To Cite</b></p>	<p>Raeeskazemi, Farnaz; Ale Kajbaf, Hossein; Koosha, Soheyla (2025). The Right to Legal Recourse Against Individuals with Diplomatic Immunity: Challenges and Solutions. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 54 (4), 2669-2688. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.366836.3415">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.366836.3415</a></p>
<p><b>DOI</b></p>	<p>10.22059/JPLSQ.2023.366836.3415</p>
<p><b>Publisher</b></p>	<p>The University of Tehran Press</p>





انتشارات دانشگاه تهران

## فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۱۱۳۹-۲۴۲۳

دوره ۵: ۵۴، شماره ۴

زمستان ۱۴۰۳

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>

### حق دادخواهی در برابر اشخاص دارای مصونیت دیپلماتیک؛ چالش‌ها و راهکارها

فرناز رئیس کاظمی<sup>۱</sup> | حسین آل کجیاف<sup>۲</sup> | سهیلا کوشا<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: [f.raeeskazemi@student.pnu.ac.ir](mailto:f.raeeskazemi@student.pnu.ac.ir)

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: [dr.alekajbaf@pnu.ac.ir](mailto:dr.alekajbaf@pnu.ac.ir)

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: [dr.koosha@jonoub.tpnu.ac.ir](mailto:dr.koosha@jonoub.tpnu.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>صفحات:</b> ۲۶۶۹-۲۶۸۸</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۲/۰۷/۲۵</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۲/۱۰/۰۲</p> <p><b>تاریخ انتشار برخط:</b> ۱۴۰۳/۱۰/۰۱</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> جرائم، دیوان کیفری بین‌المللی، دیپلماتیک، روابط بین‌الملل، سوءاستفاده دیپلماتیک، مصونیت دیپلماتیک.</p>	<p>«مصونیت دیپلماتیک» به‌عنوان یکی از مفاهیم حقوق بین‌الملل، در حفظ روابط دیپلماتیک کشورها و حقوق و آزادی دیپلمات‌ها تأثیر بسزایی دارد. اصل مصونیت دیپلماتیک، دیپلمات‌ها را قادر ساخته است تا از پیگرد قانونی در برابر نقض قوانین دولت پذیرنده مصون شوند. اعطای مصونیت گسترده به دیپلمات‌ها در مواردی ممکن است با حق اساسی دادخواهی افرادی که حقوقشان از سوی دیپلمات‌ها نادیده گرفته شده است، در تضاد به‌نظر برسد، ازاین‌رو در این مقاله سعی بر آن است تا به پرسش‌های مربوط به راه‌حل‌های موجود نسبت به جرائم دیپلماتیک و اجتناب از موارد مربوط به سوءاستفاده دیپلماتیکی و تضمین حقوق قربانی و نیز چالش‌های پیشرو پاسخ داده شود. روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر روش تبیینی-تحلیلی است. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که برای حفظ حق دادخواهی افراد در جهت کاهش جرائم ارتكابی دیپلمات‌ها با سوءاستفاده‌های رایج آنها از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک، نیاز به اصلاح کنوانسیون وین و قوانین کشورها در زمینه حقوق دیپلماتیک و ایجاد یک دیوان بین‌المللی دیپلماتیک به‌منظور بهبود عملکرد دیپلمات‌ها و اعاده وضع قربانی جرم به حال سابق بوده است.</p>
<p><b>استناد</b></p> <p>متقی، سید محمدرضا؛ خسروی، حسن؛ عبدالکریمی، بیژن؛ عباسی، بیژن؛ آقامحمدآقایی، احسان (۱۴۰۳). امکان‌سنجی تحقق «دموکراسی مستقیم» در عصر انقلاب صنعتی چهارم. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۴ (۴)، ۲۶۶۹-۲۶۸۸. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.366836.3415">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.366836.3415</a></p>	
<p><b>DOI</b></p> <p>10.22059/JPLSQ.2023.366836.3415</p>	
<p><b>ناشر</b></p> <p>مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	



## ۱. مقدمه

مصونیت دیپلماتیک از اساسی‌ترین بخش‌های روابط دیپلماتیک در جهان کنونی است که تاریخچه‌ای بسیار طولانی دارد. امروزه دولت‌ها، مصونیت نمایندگان خود در برابر دادگاه‌های داخلی دولت‌های پذیرنده را نماد برابری حاکمیت‌ها تلقی می‌کنند و در عرف و معاهدات بین‌المللی آن را پذیرفته‌اند. اما اعطای مصونیت‌های گسترده به دیپلمات‌ها در مواردی ممکن است با عدالت و حق اساسی دادخواهی افرادی که حقوقشان از سوی این دیپلمات‌ها نادیده گرفته شده است، در تضاد به‌نظر برسد. ماده ۵ منشور آفریقایی (در قسمتی) می‌گوید: «هر فردی حق دارد که به کرامت ذاتی او به‌عنوان یک انسان احترام گذاشته شود». با این ارزیابی بیان می‌شود که «افزون بر این شکی نیست که ممنوعیت رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز، جزء قواعد حقوق بین‌الملل عمومی است که در هر شرایطی، صرف‌نظر از هرگونه تعهدات معاهده‌ای، حتی برای دولت‌ها الزام‌آور است. اما جرائم دیپلمات‌ها با سوءاستفاده از مصونیت مشکل‌ساز شده است و موجب نادیده‌انگاری کرامت و انسانیت است؛ برای مثال چند مورد از جرائم ارتکاب‌یافته توسط دیپلمات‌ها از این قرار است؛ کیاترو آبیسینیتو<sup>۱</sup>، سفیر پاپوآ گینه نو، در حال مستی علناً رانندگی می‌کرد، با چهار خودرو تصادف کرد و یک نفر را که در یکی از خودروها نشسته بود، به شدت مجروح کرد. پاپوآ گینه نو، سفیر خود را فراخواند، زیرا او با اتهامات جنایی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو بود. پاپوآ گینه نو اخیراً با قربانی، دعوا را حل‌وفصل کرده است. در مواردی کارکنان سفارت اتحاد جماهیر شوروی در واشنگتن بارها در حوادث دزدی از مغازه‌ها دست داشته‌اند. در موردی دیگر، یک دادگاه فدرال در نیویورک، ۵۱،۷۸۶،۴۶۲ دلار غرامت، برای دو تن از قربانیان تجاوز جنسی در دعوا علیه مانوئل آیری<sup>۲</sup>، پسر ۱۹ ساله یک دیپلمات سازمان ملل در نیویورک را تأیید کرد. آیری خسارت تأییدشده برای قربانی تجاوز جنسی را پرداخت. ولی هرگز بابت اتهامات تحت مجازات کیفری قرار نگرفت (Vark, 2012). در قضیه سفارت لیبی که تیراندازی پراکنده از سفارت سبب کشته شدن افسر پلیس بریتانیا، ایوان فلچر<sup>۳</sup> و زخمی شدن بسیاری دیگر شد، دولت انگلیس در واکنشی سریع دیپلمات‌ها را عنصر نامطلوب اعلام کرد؛ این اتفاق به قطع روابط دیپلماتیک بین کشورها منجر شد. با اینکه دیپلمات بریتانیایی به‌عنوان عنصر نامطلوب اعلام شده و به وطن بازگردانده شد، اما حقیقت این است که اقدام غیرقانونی مأمور دیپلماتیک حقوق اساسی زن پلیس را نقض کرد (Eze, 2012). بنابراین قطع روابط دیپلماتیک نمی‌تواند به اعاده وضع به حال سابق منجر شود. در تعداد بی‌شماری از حوادث دیپلمات‌ها اتباع خارجی را که به‌عنوان برده به ایالات متحده آورده بودند، در وضعیت تنگدستی و حبس در خانه نگه‌داشتند.

1. Ambassador Kiatro Abisinito
2. Mannel Aryee
3. Yvonne Fletcher

این «بردگان خانگی» کاملاً درمانده و بی‌پناه بودند. برای مثال خدمتکار سابق دیپلمات سومالیایی، که به او در ۲۸ نوامبر ۱۹۸۸، پناهندگی سیاسی داده شده بود. طی دو سال از کارفرمایش، که منشی کنسولی بود، دستمزد یا حتی یک روز مرخصی دریافت نکرده بود. مصونیت دیپلماتیک به‌طور معمول یک اصل اساسی از حقوق بین‌الملل عرفی، برای حمایت از نمایندگان کشورهای خارجی مستقر در خارج از کشور است. با این حال، امروزه دیپلمات‌ها، از این امتیاز برای فرار از تعقیب به‌دلیل انواع جرائم سوءاستفاده می‌کنند. مصونیت دیپلماتیک همچنین به دیپلمات‌ها این امکان را می‌دهد تا از مسئولیت مدنی فرار کنند. این تحلیل نشان می‌دهد که قانونگذاری مناسب و ایجاد دیوانی وابسته به دیوان کیفری بین‌المللی تحت عنوان دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک می‌تواند اصل اساسی مصونیت دیپلماتیک را حفظ کند و در عین حال دیپلمات‌ها را به‌گونه‌ای منطبق با قوانین بین‌المللی کنونی، مسئول رسیدگی به جنایات یا تخلفات بداند. این دیوان بین‌المللی دیپلماتیک را، تحت عنوان دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک بررسی می‌کنیم که جنبه کیفری جرم را توأم با جنبه حقوقی یعنی تعیین غرامت برای قربانی جرم دیپلماتیکی مدنظر دارد. ولی به لحاظ اهمیت جنبه کیفری در این پژوهش از دیوان بین‌المللی دیپلماتیک با نام دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک یاد می‌کنیم. سعی بر این است تا اصلاحات و پیشنهادهای در جهت هرچه محدودتر کردن سوءاستفاده دیپلمات‌ها و در نظر گرفتن راه‌حل بابت جبران خسارت و حتی مجازات دیپلمات مجرم اندیشیده شود. با ایجاد یک دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک پیشنهادی، می‌توان به‌سوی هرچه مترقی کردن و سودمند شدن حقوق بین‌الملل از جمله در خصوص حقوق دیپلماتیک، گام برداشت تا به الزامات بازدارندگی جامعه عمل پوشاند. افرادی که مرتکب جرم می‌شوند، باید پاسخگوی آن جرم باشند. کنوانسیون وین به دیپلمات‌ها، خانواده‌های آنها و دارایی‌های دیپلماتیک حمایت‌های متعددی اعطا کرده است؛ ماده ۳۱ دیپلمات‌ها را از صلاحیت کیفری دولت پذیرنده مصون داشته است. نیاز به تغییرات عمده در حقوق روابط دیپلماتیک در زمینه مصونیت است تا اطمینان حاصل شود که از ارتکاب جرائم دیپلمات‌ها در آینده جلوگیری می‌شود. در نهایت می‌بینیم که بهترین راه‌حل در برخورد با بی‌عدالتی، در زمینه جرائم دیپلماتیک که طبق کنوانسیون وین، بدون مجازات باقی مانده است، اعطای صلاحیت قضایی در این زمینه به یک دیوان کیفری بین‌المللی ویژه، برای تعقیب دیپلمات‌های مرتکب جرائم، مطابق با حقوق بین‌الملل است و سیستم عادلانه‌تری را برای حقوق بین‌الملل تضمین می‌کند. وسعت مأموریت و تعداد افرادی که به آنها مصونیت دیپلماتیک اعطا شده است، تصمیمی است که باید در خصوص آن، بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده، جرح و تعدیل شود. افزون بر این میزان جرائم دیپلماتیک گزارش شده اغلب با میزان واقعی آن متفاوت است، زیرا بسیاری از قربانیان به‌دلیل شرایط مختلف مایل نیستند یا نمی‌توانند به دادگاه مراجعه کنند. در واقع، بسیاری از قربانیان سکوت اختیار می‌کنند، زیرا متوجه می‌شوند که مصونیت دیپلماتیک راهی برای فرار از جرم محسوب می‌شود. در

نتیجه، باید رویه‌ای ایجاد شود به منظور اطمینان از اینکه دیپلمات‌هایی که مرتکب جرم می‌شوند، باید طبق عدالت و قانون مجازات شوند. پژوهش حاضر با روش تبیینی - تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که حق دادخواهی افراد در برابر مصونیت دیپلماتیک چیست و چه راهکارها و چالش‌هایی در زمینه حق دادخواهی افراد وجود دارد.

## ۲. پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع ارائه شده در این پژوهش تاکنون تحقیقی با این عنوان صورت نگرفته است. موارد مشابه و مرتبط به قرار زیرند:

- جهانگیری، نبی‌اله (۱۳۹۷). مصونیت دیپلماتیک از منظر فقه. *مجله معارف قرآن و عترت*، ۴(۸)، ۱۹۹ - ۲۲۳. در این مقاله بی‌توجهی به متون و احکام اسلامی در حوزه دیپلماتیک، موجب تحمیل قوانین غربی که گاه مغایر با احکام اسلامی است، دانسته شده که در جامعه اسلامی گسترش می‌یابد و نهادینه می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی مصونیت دیپلماتیک از منظر فقه اسلامی پرداخته است.

- جلیلی پیرانی، محسن (۱۳۹۸). مصونیت دیپلماتیک و کنسولی و قواعد حاکم بر آنها. *فصلنامه مطالعات حقوق*، (۳۳)، ۵۳ - ۷۰. در این مقاله ذکر شده که از بخش‌های بااهمیت تشکیلات دیپلماتیک و روابط بین‌المللی، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها هستند این دو مورد را می‌توان ستون‌های روابط دیپلماسی و کنسولگری حکومت‌ها در خارج از پایتختشان به حساب آورد. در این پژوهش مصونیت دیپلماتیک و کنسولی و قواعد حاکم بر آنها بررسی می‌شود.

- لویس، چارلز. جیمز. نویسنده کتاب *Sate and Diplomatic Immunity* منتشر شده در انتشارات لویدز، لندن در سال ۱۹۹۰. درباره: مصونیت دولتی و دیپلماتیک، گویای آن است که چندی است که برخی حقوقدانان بین‌المللی غربی دیدگاهی را مطرح می‌کنند که بر اساس آن، تحولات رخ داده در حوزه مصونیت قضایی به سمت‌وسویی حرکت کرده است که در مواردی که مقامات مهم دولتی مرتکب جنایات بین‌المللی می‌شوند، نمی‌توانند به مصونیت قضایی استناد جویند. به عبارت دیگر، عده‌ای از حقوقدانان بین‌المللی بر این عقیده‌اند که در صورت ارتکاب جنایات شدید بین‌المللی و به‌منظور مقابله با بی‌کیفرمانی چنین جنایاتی، مقامات مهم دولتی را نباید از مصونیت قضایی برخوردار دانست. بررسی‌های صورت گرفته در این کتاب حاکی از آن است که با وجود تحولات رخ داده در حوزه مصونیت قضایی، مقامات دولتی در حقوق بین‌الملل همچنان از مصونیت برخوردارند و دکترین مطروحه از سوی حقوقدانان غربی، در رویه دیوان دادگستری بین‌المللی و آرای محاکم داخلی تأیید نشده است.

- ماگینیس، ورونیکا. ال. نویسنده مقاله "Limiting Diplomatic Immunity: Lessons Learned from the 1946 Convention on the Privileges and Immunities of United

”the Nations” منتشر شده در مجله حقوق بین‌الملل بروکلین، در سال ۲۰۰۲. این مقاله در خصوص این است که مصونیت مطلق غیرضروری است و مصونیت را فقط به آن دسته از اقداماتی محدود می‌کند که برای انجام وظایف رسمی یک دیپلمات ضروری است. همچنین بیان می‌دارد که نظریه ضرورت کارکردی مصونیت، در کاربرد خود برای امتیازات و مصونیت‌های مقامات شاغل در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد موفق بوده است و نتیجه می‌گیرد که مصونیت کارکردی باید به جای مصونیت مطلق برای دیپلمات‌ها اعمال شود.

- موریس. ویلیام. نویسنده مقاله “Constitutional Solutions to the Problem of Diplomatic Crime and Immunity” منتشر شده در مجله حقوق هافسترا، در سال ۲۰۰۷، که در این مقاله از راه‌حل‌های قانونی در خصوص مشکل جرم و مصونیت دیپلماتیک سخن به میان آمده است. به ایده توسل به یک دیوان ویژه دیپلماتیک به‌عنوان راهکاری در خصوص مقابله با وضعیت سوءاستفاده دیپلمات‌ها از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک پرداخته شده که موفقیت این طرح نیاز به اجماع و همکاری بین‌المللی دارد که هنوز حاصل نشده است.

- راس. میشل. اس. نویسنده مقاله “Rethinking Diplomatic Immunity: A Review of Remedial Approaches to Address the Abuses of Diplomatic Privileges and Immunities” منتشر شده در مجله حقوق بین‌الملل دانشگاه آمریکایی، در سال ۲۰۱۱. این مقاله تحقق مسئولیت‌های فراسرزمینی هر دولت و تأثیر اقدامات سیاست خارجی آن در فراسوی مرزهای حاکمیتی را مستلزم برخورداری مأموران دیپلماتیک آن دولت از امنیت شغلی، جانی و مالی می‌داند. بنابراین مصونیت دیپلماتیک برای تأمین امنیت دیپلمات‌ها در نظر گرفته شده که امروزه یکی از اصول به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل قلمداد شده و کانون توجه جهانی را تشکیل داده است؛ درحالی‌که چنین مصونیتی، چه در سطح فردی و چه در سطح دولتی زمینه سوءاستفاده دیپلماتیکی را فراهم کرده است. در این مقاله ضمن توجه به عوامل مؤثر در زمینه سوءاستفاده از این مصونیت تلاش شده است تا راهکارهای مؤثر در پیشگیری و برخورد با این قبیل تخلفات بررسی شود و در انتها به این مسئله اشاره دارد که هنوز هدف واقعی و اصلی کنوانسیون وین نائل نشده است و روابط بین دولت‌های ملی همچنان رو به وخامت است.

- وندنبرگ، مارتینا. ای؛ بسل. سارا. نویسندگان مقاله “Diplomatic Immunity and the Abuse of Diplomatic Workers: Criminal and Civil Remedies in the United States” منتشر شده در مجله حقوق تطبیقی و بین‌المللی دوک، در سال ۲۰۱۶. این مقاله نقش دولت ایالات متحده را در ایجاد راه‌حل‌های مؤثر حقوقی و کیفری در رابطه با کارگران بومی تحلیل می‌کند که مورد آزار و اذیت دیپلمات‌ها و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی قرار دارند. قاچاق کارگران بومی توسط دیپلمات‌ها و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی پدیده جدیدی نیست. در یادداشت دیپلماتیک وزارت امور

خارجه در سال ۱۹۸۱ که خطاب به همه سفارت‌ها در ایالات متحده صادر شد، وزیر امور خارجه نگرانی عمیق خود را ابراز کرد. شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه برخی از اعضای هیأت‌های دیپلماتیک به طور جدی از خدمتکاران بومی غیرمهاجر دارای ویزا سوءاستفاده کرده‌اند که در ایالات متحده به سر می‌برند.

– اودوجی ایلی. آنجلا؛ اوچوگا ادوین اوچوگا. نویسندگان مقاله "The Abuse of Diplomatic Immunities Among States: Issues and Challenges" منتشر شده در *مجله مطالعات بین‌المللی واکاری*، در سال ۲۰۲۳. این مقاله به طور خاص به بررسی موارد سوءاستفاده از مصونیت دیپلماتیک در میان کشورها و پیامدهای مربوط به کنوانسیون وین در زمینه روابط مصونیت دیپلماتیک، ۱۹۶۱ پرداخته است. این مقاله گویای آن است که در بسیاری از کشورها مواردی از سوءاستفاده از مصونیت دیپلماتیک با ارتکاب جرائم و تخلفات دیگر وجود دارد. این مقاله نتیجه می‌گیرد که برخی دیپلمات‌ها از مصونیت خود برای ارتکاب جنایات سوءاستفاده کرده‌اند و این تهدیدی برای حقوق بین‌الملل به‌ویژه کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ است و توصیه می‌کند که هر دیپلماتی که مرتکب تخلف می‌شود، باید پس از اقامت در سرزمین‌های خارجی طبق قانون مجازات شود.

### ۳. مبانی نظری

انجام وظایف مختلف مأمور دیپلماتیک در یک کشور مشمول اصل مصونیت از تعرض است، یعنی مأمور دیپلماتیک مربوطه از تعرض در دولت پذیرنده مصون است. این اصل یعنی مأموران دیپلماتیک از هر نوع دستگیری یا بازداشت توسط مقامات دولت پذیرنده مبرا هستند. در واقع، این اصل به عنوان اصل مصونیت در همه جا شناخته شده است. یکی از ارکان حقوق بین‌الملل مدرن، مصونیت‌های دیپلماتیکی مربوط به مأمور دیپلماتیک است. به گفته گروسوس، مأموران دیپلماتیک، اگرچه از نظر فیزیکی در خاک کشوری که در آن دارای اعتبارند حضور دارند، یعنی دولت پذیرنده، اما با آنها این‌گونه رفتار می‌شود که گویا در خاک کشوری که نمایندگی آن را دارند؛ یعنی دولت فرستنده باقی مانده‌اند (Grotius, 2005). آنچه بیان شد مبتنی بر نظریه فرا سرزمینی است و توسط حقوقدانان مدرن کنار گذاشته شده است (Cassel, 2012). مفهوم مصونیت دیپلماتیک دامنه‌حفاظتی است که طبق کنوانسیون وین در زمینه روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) به دیپلمات‌ها اعطا شده است که آنها را از صلاحیت قانونی دولت پذیرنده مستثنا می‌کند (Ebele Udeoji & Ochoga, 2023: 275-282). با این حال، نظریه‌های نمایندگی و کارکردی مورد حمایت کنوانسیون وین هستند که مبنای اعطای مصونیت دیپلماتیک به مأموران دیپلماتیک است. مصونیت دیپلماتیک مدرن در سال ۱۹۶۱ توسط کنوانسیون وین در خصوص روابط دیپلماتیک تدوین شد. بخش ۷ این قانون با عنوان «کنوانسیون وین» در مورد روابط دیپلماتیک لازم‌الاجراست. این مواد قانونی *Vienna Convention on Diplomatic Relations*, Apr. 18, 1961، دیپلمات‌ها، اعضای خانواده آنها و نمایندگان آنها و نیز اموال تحت نظارت

آنها را نسبت به تفتیش، دستگیری، اتهام یا تعقیب از مصونیت غیرقابل تصویری برخوردار کرده است (Denza, 2008: 112-113). برای مثال ماده ۲۹ کنوانسیون وین مقرر کرده است: «شخص مأمور دیپلماتیک مصون از تعرض است. او هیچ گونه مسئولیتی نسبت به دستگیری یا بازداشت خود نخواهد داشت. دولت پذیرنده باید با احترام با او رفتار کند و تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از هرگونه تعرض به شخص او و نسبت به آزادی یا حیثیت او به عمل آورد» (Vienna Convention on Diplomatic Relations, 1961, art. 29).

#### ۴. تاریخچه

مفهوم مصونیت دیپلماتیک به هیچ وجه پدیده جدیدی نیست. امروزه تأثیر روابط دیپلماتیک و ضرورت آن در تعاملات بین‌المللی انکارنشده است (رشید گرمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۹۶-۱۶۱۲). در فقه اسلامی نیز روابط دیپلماتیک بین دولت‌ها اهمیت فراوانی دارد (جهانگیری، ۱۳۹۷: ۱۹۹-۲۲۳). شایان ذکر است که مصونیت جانی و مالی مأموران و اماکن دیپلماتیک در کشور پذیرنده، از جمله اصول پذیرفته شده در عرف و حقوق بین‌الملل است که سابقه‌ای طولانی در این عرصه دارد (شبان‌نیا رکن‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۴۷-۱۷۲). به موجب مصونیت دیپلماتیک دسته‌ای از مقامات دولتی خارجی و سازمان‌های بین‌المللی مشمول صلاحیت قضایی دولت پذیرنده نیستند. البته شناسایی چنین معافیت‌هایی مغایر با مقررات حقوق بشر، مسئولیت کیفری بین‌المللی و حق دفاع از خود قلمداد می‌شود. دولت‌ها در توجیه بیان دلایل مصونیت‌ها توجیهاتی چون مغایرت مصونیت با حق حیات، حق دفاع از خود و لزوم اولویت قواعد نسبت به مصونیت‌ها را ارائه داده‌اند (موسی‌زاده، رضایی استخرویه، ۱۳۹۴: ۱۸۹-۲۱۶). دکترین مصونیت دیپلماتیک از قدیمی‌ترین مؤلفه‌های روابط خارجی است. این رویه را می‌توان در دولت‌های یونان و روم باستان جستجو کرد که در آن نمایندگان خارجی از مصونیت‌ها و امتیازات خاصی برخوردار بودند تا نمایندگی مؤثر خود را در سرزمین خارجی افزایش دهند. پیش از این، مصونیت دیپلماتیک به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق بین‌الملل اساساً بر اساس آداب و رسوم پذیرفته شده در بین کشورها تا زمان ظهور کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) بود. ظهور کنوانسیون وین اساساً ماهیت روابط دیپلماتیک بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را بازتعریف کرد (Ebele Udeoji & Ochoga, 2023: 275-282). دیپلماسی و توسل به مذاکره و گفت‌وگو از زمان‌های قدیم وجود داشته است که از طریق اعزام قاصد صورت می‌گرفته و اولین اصلی که عملاً در این زمینه برقرار شد، اصل مصونیت قاصد بود که اساس قاعده مصونیت دیپلماتیک است. امروزه افزایش تماس‌ها بین دولت‌ها و همین‌طور میان ملت‌ها و حرکت جوامع به سمت جهانی شدن، با کم‌رنگ شدن مرز بین دولت‌ها، منافع و حقوق افراد تلاقی بیشتری با یکدیگر پیدا کرده است. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه تا حدود زیادی ابهامات را برطرف ساخته است و از جمله اقدامات



مهم حقوق بین الملل و در راستای حمایت از اشخاص در عرصه بین المللی است. با بررسی دیدگاه‌های جدید کمیسیون حقوق بین الملل می‌توان دریافت که دولت متبوع می‌تواند به منظور اعمال حمایت از تبعه خویش از راهکارهای گوناگونی بهره بگیرد. این راهکارها که در ابتدا از روش‌های سیاسی مانند مذاکره غیررسمی، مبادله یادداشت سیاسی و مذاکرات رسمی شروع می‌شود؛ در مرحله بعد می‌تواند به طرح دعوا نزد مراجع داوری یا قضایی بین المللی ختم شود. حمایت از حقوق اشخاص (حقیقی و حقوقی) می‌تواند از طریق ابزارهای متعدد به عمل آید، از جمله حمایت کنسولی، توسل به سازوکارهای معاهدات حقوق بشری، تعقیب کیفری یا اقدام شورای امنیت یا سایر نهادهای بین المللی که اعمال حمایت دیپلماتیک در خصوص هر کدام از اینها بسته به شرایط و اوضاع و احوال پرونده مطروحه، به نوعی توانایی تأثیرگذاری و حمایت دارند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۶-۱۳۱).

#### ۵. بحث و بررسی (حق دادخواهی در برابر اشخاص دارای مصونیت دیپلماتیک؛ چالش‌ها و راهکارها)

اگر راه‌حل‌های پیش‌بینی شده در کنوانسیون وین در شرایط خاص، ناکافی باشند، دیوان کیفری بین المللی دیپلماتیک پیشنهادی، با صلاحیت کیفری تکمیلی خود، تضمین می‌کند که دیپلمات همچنان می‌تواند به دست عدالت سپرده شود؛ همچنین حل و فصل مسالمت‌آمیزتری را نسبت به بسیاری از موارد تضمین می‌کند.

#### ۵.۱. چالش‌های موجود در برابر دادخواهی قربانیان جرائم دیپلماتیک

اعطای اختیار به دیوان دادگستری بین المللی برای تعلیق کشورهای غیرمتعهد از سازمان ملل از پیشنهادها اتخاذ شده است. دیوان دادگستری بین المللی، دیوان حقوقی است نه کیفری و صلاحیت آن فقط به دولت‌ها منحصر است و به جرائم بین افراد رسیدگی نمی‌کند. این دیوان به طور معمول فقط به پرونده‌هایی رسیدگی می‌کند که شامل نقض شدید کنوانسیون وین است؛ با وجود این اغلب مسائلی پیش می‌آید که باید با سرعت بیشتری حل و فصل شوند. اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون وین در صلاحیت اجباری دیوان دادگستری بین المللی است که با ارائه دادخواستی از سوی هریک از طرفین در دیوان محقق می‌شود. البته طرفین پیش از رجوع به دیوان می‌توانند مصالحه و سازش را اختیار کنند. در کل دیوان دادگستری بین المللی به اختلافات حقوقی و تعیین غرامت و پرداخت آن رأی می‌دهد، ولی به جرم و جنایات دیپلمات مجرم و تعیین مجازات کیفری و مجازات زندان و تعیین مدت حبس حکم نمی‌دهد. محاکم بین المللی حقوق بشر مانند دیوان اروپایی حقوق بشر برای رسیدگی به شکایات دولت‌های عضو علیه هم و نیز شکایات افراد علیه دولت‌های عضو، به نقض حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون منحصر است. دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز به جای اینکه به دنبال این باشد که افراد

خاطی در نقض حقوق بشر و مجرم را بیابد، در تلاش است تا دریابد آیا کشور معینی حقوق بشر را در خصوص یک فرد نقض کرده است یا خیر. دیوان آفریقایی حقوق بشر با محدودیت صلاحیتی در رسیدگی به شکایات اشخاص حقیقی و سازمان‌های غیردولتی موجب شده تا دیوان نتواند نقش مهمی در تضمین حقوق بشر داشته باشد و پرونده‌های اندکی در آن رسیدگی شده است. در کل جرائم دیپلمات‌ها چه در زمینه نقض حقوق بشر و جرائم رانندگی و غیره مورد رسیدگی در این محاکم بین‌المللی قرار نگرفته و در صورت رسیدگی، نیز اجرا نشده و عدالت محقق نشده است. دیوان کیفری بین‌المللی نیز تنها نسبت به چهار جرم بین‌المللی نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، تجاوز صلاحیت دارد. با این حال دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک یک مرجع رسیدگی بی‌طرف توأم با مجموعه‌ای از قوانین و رویه‌های حقوقی از پیش توافق شده را در زمینه یک ملت آسیب‌دیده، راجع به ارائه اتهامات خود فراهم می‌آورد. همین هیأت بی‌طرف تصمیم می‌گیرد که در صورت وجود مجازات، چه مجازاتی اعمال شود. متأسفانه بیشتر شواهدی که مشکل جرائم دیپلماتیک را نشان می‌دهند، ماهیت حکایتی دارند تا آماری (Farhangi, 1986: 1523) که سبب شد تا بسیاری از محققان این‌گونه برداشت کنند که جرائم دیپلماتیک یک معضل نیست (Hickey & Fisch, 1990: 374-75). با این حال چندین عامل مهم، به گزارش نادرست و سوءبرداشت از جرائم دیپلماتیک منجر می‌شود. در ابتدا، جنایات دیپلماتیک برای کشورهایی که نگران امنیت اتباع خود و دیپلمات‌های خود در کشورهای دیگرند، مسائل پیچیده‌ای را در روابط بین‌الملل ایجاد می‌کند. در نتیجه، سوابق رسمی همیشه راجع به جرائم دیپلماتیک نگهداری نمی‌شوند، زیرا به‌طور معمول توسط وزارت امور خارجه «بی‌سروصدا» و محرمانه رسیدگی می‌شود تا از ایجاد شرمندگی برای هر مأموریتی جلوگیری شود (Farhangi, 1986: 1523; McDonough, 1997: 477-478). علاوه بر این، افسران پلیس اغلب همه گزارش‌ها را در زمینه حوادث مربوط به یک دیپلمات به وزارت امور خارجه ارسال نمی‌کنند، زیرا مصونیت دیپلماتیک احتمالاً گزارش را بی‌معنا جلوه می‌دهد (McDonough, 1997: 487). درحالی‌که بیشتر افسران پلیس حوادث جدی را به وزارت امور خارجه گزارش می‌دهند، «سیستم موجود برای گزارش جرائم [خیلی نظام‌مند] نیست»، زیرا «نحوه برداشت از جدی بودن یک حادثه در گزارش، از یک مقام پلیس به مقام دیگر متفاوت است» (Zaid, 1998: 623-268). افزون بر این میزان جرائم دیپلماتیک گزارش شده اغلب با میزان واقعی متفاوت است، زیرا بسیاری از قربانیان به دلیل شرایط مختلف مایل نیستند یا نمی‌توانند به دادگاه مراجعه کنند (Friedrich, 2007: 60, 63, 1159). در واقع، بسیاری از قربانیان سکوت اختیار می‌کنند، زیرا متوجه می‌شوند که مصونیت دیپلماتیک راهی برای فرار از جرم محسوب می‌شود. دیپلمات‌ها از مصونیت خود، به‌عنوان راهی برای متقاعد کردن قربانیان در مورد شکست احتمالی یک ادعا، یا تهدید قربانیان خود به سکوت، سوءاستفاده می‌کنند، به‌ویژه در محیط‌های داخلی (Morris, 2007: 610). در موارد دیگر،

قربانیان عضوی از خانواده دیپلمات هستند یا توسط دیپلمات استخدام شده‌اند که نمی‌توانند چنین رابطه‌ای را از بین ببرند (McDonough, 1997: 488). در مجموع، دلایل موجهی بر این باور وجود دارد که میزان واقعی جنایات دیپلماتیک بسیار بیشتر از میزان جرائم گزارش شده است. داده‌های آماری کمی وجود دارد که نشان می‌دهد جرم دیپلماتیک یک مشکل است (Morris, 2007: 611). در زیر به مواردی از چالش‌های پیشرو در رسیدگی به جرائم دیپلماتیک می‌پردازیم:

۱. تعلیق کنوانسیون وین در وهله اول، حتی می‌تواند به تحقیر بیشتر در سراسر جهان و آسیب بیشتر به شهرت هر کشوری منجر شود. بنابراین اگرچه نقض حقوق عرفی در این مورد بر اساس قانون اساسی است، اما آثار جانبی لغو کنوانسیون می‌تواند به نتایج فاجعه‌بار دیپلماتیک در زمینه وجهه و اعتبار روابط خارجی کشورها در عرصه بین‌الملل منجر شود. با این حال راه‌حل‌های فعلی ارائه‌شده طبق کنوانسیون وین راه‌حل پایداری در رابطه با مشکل جرائم دیپلماتیک و احتمال تروریسم دیپلماتیک ارائه نمی‌دهند. این کنوانسیون ناقص است و نیاز به اصلاح دارد، زیرا در صورت وقوع یک جرم دیپلماتیک، امکان استناد کافی، برای کشورها فراهم نیست (Groff, 2000: 220). نگرانی اصلی، در واقع این است که نسبت به قربانیان جرم در رابطه با اقدامات مجرمانه‌ای که توسط یک دیپلمات علیه آنها انجام شده، مطلقاً چاره‌ای اندیشیده نشده است. وقتی دلیل معتبری برای طرح یک دعوا وجود داشته باشد، اغلب هیچ راه‌حلی برای قربانی به دلیل عدم ارائه سازوکارهای اجرایی لازم طبق این کنوانسیون به وزارت امور خارجه در دسترس نیست. با احتمال فقدان راه‌حلی مؤثر، برای طرف آسیب‌دیده هیچ سازوکاری برای تنبیه یا وادار کردن دیپلمات‌ها نسبت به تمدید سیاست‌های لغو یا منقضی‌شده پیش‌بینی نشده است (Farhangi, 1986: 1531). به این ترتیب، قربانیان را می‌توان بدون هیچ جبران غرامتی رها کرد.

۲. در شرایط خاص، مقررات مصونیت مندرج در کنوانسیون به یک شهروند قربانی و یک دادستان دولتی، در برخورد با دیپلماتی که مرتکب فعل غیرقانونی شده است، راه‌حل مؤثری ارائه نمی‌دهد. مگر اینکه دولت فرستنده مصونیت دیپلمات را لغو یا موافقت کند که او را در کشور خود محاکمه کند، دیپلمات می‌تواند آزاد شود. او ممکن است عنصر نامطلوب اعلام شود و در این روند شغل خود را از دست بدهد، اما به سادگی، از دست دادن شغل آن نوع مجازاتی نیست که مناسب جرائم خاص باشد. بنابراین صرفاً ادامه این مسیر مشکل واقعی جرم دیپلماتیک را حل نمی‌کند.

۳. برخی، به تصور ناچیز بودن میزان ارتکاب جرائم توسط دیپلمات‌ها، از ادامه توجه به کنوانسیون وین به‌عنوان تنها راه‌حل یاد کرده‌اند (Hickey & Fisch, 1990: 374-375). در پرونده‌های مربوط به مصونیت دیپلماتیک به دیپلمات‌ها اجازه داده شده است تا از مسئولیت اقدامات خود فرار کنند. مصونیت همچنین به دیپلمات‌ها این امکان را می‌دهد که از رسیدگی و حضور در دادگاه صالحه خودداری کنند (Ebele Udeoji & Ochoga, 2023: 275-282). این استدلال که میزان جرائم دیپلماتیک نسبتاً پایینی

وجود دارد، مورد اعتراض بسیاری از محققان است که به ارائه شواهدی اقدام کرده‌اند مبنی بر اینکه جرم دیپلماتیک در واقع یک مشکل است. افزون بر این همان میزان آمار نسبت به جرائم دیپلماتیک، نیز توسط محققانی که نرخ پایین جرائم دیپلماتیک را از روی اعتماد تبلیغ می‌کنند، اغلب به دلیل فقدان استانداردهای گزارش‌دهی کافی و یکسان و ظرافت روابط دیپلماتیک خارجی غیرقابل اعتمادند.

۴. الزام کشورهای خارجی به داشتن بیمه برای پوشش هرگونه جرائم احتمالی که دیپلمات‌های آنها ممکن است مرتکب شوند، نمونه دیگری از قوانین است که مشکل را نیز حل نمی‌کند. درست است که چنین طرحی نسبت به مشکلات قربانیان تأمین مالی محسوب می‌شود، با این حال، هزینه‌های زیادی وجود خواهد داشت که در مجموع مزایای طرح را به شدت کاهش می‌دهد. در نهایت، قانون بیمه برای قربانیان و خانواده‌های آنها به هیچ وجه عدالت واقعی را در بر ندارد. در عوض، قربانیان چیزی بیشتر از پرداخت دیه به عنوان «گرامت» به علت جنایات وحشتناکی مانند آدم‌ربایی، تجاوز جنسی و حتی قتل‌های برنامه‌ریزی شده و با طراحی قبلی، دریافت نمی‌کنند.

۵. ایجاد یک صندوق فدرال برای پرداخت غرامت به شهروندانی که قربانی تجاوزات دیپلماتیک شده‌اند، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی اشتباه است؛ مگر اینکه هر کشوری بتواند کشورهای دیگر را در خصوص جمع‌آوری منابع خود در یک صندوق غرامت بین‌المللی متقاعد کند، این کار باید به صورت یکجانبه انجام گیرد، به این معنی که تمام منابع مالی آن باید از سوی حکومت تأمین شود. برای این کار، حکومت یا باید کسری بودجه را افزایش دهد، یا بودجه سایر برنامه‌ها را کاهش دهد، صندوق جبران خسارت نشان می‌دهد که اگر یک دیپلمات به دولت پذیرنده وارد شده و مرتکب جرم و جنایت شود، نه دیپلمات و نه کشور فرستنده دیپلمات، پاسخگو نخواهند بود.

## ۵.۲. راهکارهای لازم به منظور دادخواهی در برابر جرائم دیپلمات‌ها

به نظر می‌رسد که یک معاهده چندجانبه که صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک ویژه را در زمینه جرائم دیپلماتیک اعطا می‌کند، یکی از راه‌حل‌های ممکن نسبت به مشکل جرائم دیپلماتیک باشد؛ یعنی ایجاد یک دیوان بین‌المللی دیپلماتیک ویژه وابسته به دیوان کیفری بین‌المللی مدنظر است.<sup>۱</sup> طبق

۱. اساسنامه مربوط به دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) که در خصوص شهروندان عادی ایالات متحده و رهبران سیاسی ایالات متحده اعمال می‌شود، خارج از محدوده این تبصره است. این یادداشت فقط به اساسنامه یک دادگاه ویژه‌ای با عنوان «دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرائم دیپلماتیک» مربوط می‌شود. بنابراین، تنها شهروندان آمریکایی که مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک خواهند بود، دیپلمات‌های ایالات متحده خواهند بود که گفته می‌شود در کشورهای دیگر مرتکب جرم و جنایت شده‌اند.

این تبصره استدلال می‌شود که چنین راه‌حلی با قانون اساسی کشورها و نیز حقوق بین‌الملل مطابقت دارد. این دیوان دیپلمات‌هایی را که متهم به اقدامات جنایتکارانه‌اند، محاکمه می‌کند و آنها را بر این اساس مجازات می‌کند (Groff, 2000: 211-212). دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک<sup>۱</sup> می‌تواند به‌عنوان انعکاسی از دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد شود که در سال ۱۹۹۸ طبق معاهده‌ای که توسط بیش از ۱۲۰ نفر، به‌ویژه توسط کشورهای که بسیاری از آنها متحدان نزدیک به کشوری مانند آمریکا هستند، امضا و تأسیس شد (Groff, 2000: 225-227). با این حال، دیوان پیشنهادی جدا از دیوان کیفری بین‌المللی خواهد بود. یک دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک می‌تواند طبق یک معاهده چندجانبه بسیار شبیه به حقوق موضوعه رم و کنوانسیون وین تصویب شود.<sup>۲</sup> کنوانسیون وین در زمینه روابط دیپلماتیک همچنین می‌تواند اصلاح شود تا دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک در چارچوب حقوق بین‌الملل عمل کند (Morris, 2007: 621). معاهده برای مقید کردن کشوری مانند آمریکا، باید مطابق با دستورالعمل‌های مصوب متعلق به آمریکا، مندرج در ماده ۲، اصلاحیه شماره ۲، تصویب شود (United States Constitution. art. II, § 2. art. II, § 2). مانند دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک پیشنهادی باید برای تکمیل رژیم کنونی حقوق دیپلماتیک وجود داشته باشد و نه اینکه جایگزین آن شود (Groff, 2000: 226). دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک می‌تواند برای پر کردن خلأهایی ایجاد شود که در حال حاضر در کنوانسیون وین وجود دارد (Morris, 2007: 622). به این ترتیب، دقیقاً مانند دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک پیشنهادی باید صلاحیت تعقیب دیپلمات متهم را تنها در صورتی داشته باشد که کشور آسیب دیده بخواهد از دیوان کمک بگیرد (MacPherson, 1998: 34-38). وظیفه هر دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک این است تا قانون و مقررات کیفری مختص به جرائم کیفری را، مطلق تعریف کند تا اکثریت کشورها بتوانند در مورد آن توافق کنند. حداقل، دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک می‌تواند دیپلمات‌ها را به‌علت ارتکاب جنایات خشونت‌آمیز مانند قتل، تجاوز جنسی، سرقت مسلحانه، حمله، کودک‌آزاری و همچنین اقدامات تروریستی و توطئه برای ارتکاب این اقدامات تروریستی بازخواست کند (Wright, 1987: 184). به علاوه این معاهده می‌تواند مجازات جنایاتی مانند قتل عمد و غیرعمد، از جمله قتل عمد در حال رانندگی که راننده تحت تأثیر مشروب یا مواد مخدر بوده است، آتش‌سوزی، آدم‌ربایی و سرقت از منزل را در نظر بگیرد (Morris, 2007: 623). اگرچه توافق بر سر جنایاتی که دیپلمات‌ها به‌علت آن در دیوان کیفری

1. Diplomatic International Criminal Court (DICC)

2. Noting that the original ICC was created as a result of a multinational treaty

3. Stating that the President "shall have Power, by and with the Advice and Consent of the Senate to make Treaties, provided two thirds of the Senators present concur"

بین‌المللی دیپلماتیک پیشنهادی تحت تعقیب قرار می‌گیرند و تعاریف مرتبط با آنها دشوار است، ولی بی‌شک غیرممکن نیست. برخی از اقدامات تقریباً در سراسر جهان مجرمانه تلقی شده‌اند (Randall, 1988: 829). تعاریف مرضی‌الطرفینی در خصوص این جرائم و رویه‌های کیفری مربوط می‌تواند توسط تهیه‌کنندگان معاهده و کشورهای امضاکننده با استفاده از روش‌های متداول تدوین معاهده، یعنی مذاکره و سازش به دست آید. بی‌شک متقاعد کردن ۱۹۲ کشور جهان برای موافقت با ایجاد مقررات کیفری واحد و بین‌المللی، کار بزرگی خواهد بود (Morris, 2007: 623). با این حال معاهدات پیچیده چندجانبه که قوانین مختلف چندین کشور را با هم ترکیب می‌کند و شکل می‌دهد، قبلاً تکمیل شده است (Rome Statute of the International Criminal Court, July 17, 1998, art.2). اگرچه دشوار است، اما دستیابی به یک اجماع عمومی برای تعیین اینکه دیپلمات‌ها در مورد کدام جرائم مسئول خواهند بود، کاملاً امکان‌پذیر است.<sup>۱</sup> بنابراین معاهده‌ای که به وضوح بیان دارد که دیپلمات‌ها به‌علت چه جرائمی می‌توانند تحت تعقیب قرار گیرند و سپس عناصر آن جرائم و مجازات‌های مربوط به آنها را نیز مشخص کنند، مستلزم رسیدگی عادلانه توأم با ارائه اطلاعات به‌طور منصفانه به دیپلمات‌هاست (MacPherson, 1998: 51-52). علاوه بر این، منطقی است که باور کنیم چنین توافقی می‌تواند مورد پذیرش جامعه بین‌المللی باشد. احکام قضات بر اساس بی‌طرفی صادر می‌شود و توأم با احترام به دکترین‌های حقوقی تعیین‌شده و شناخته‌شده است که توسط همه شرکت‌کنندگان در معاهده مورد مذاکره قرار می‌گیرد (Groff, 2000: 228-229; Wright, 1978: 207-210). حمایت‌های متعددی در روند قانونی برای هر دیپلمات متهم به جرم وجود دارد. این حمایت‌ها شامل اجتناب از جنایات بیشتر، حمایت از جرائم عطف بامسبق شده، مصونیت در برابر خود تبهکاری، حق سکوت، حق داشتن وکیل، حق بی‌گناه تلقی شدن تا زمان ثبوت مجرمیت با مدرکی فراتر از شک معقول، جلوگیری از دستگیری‌ها یا تفتیش‌های بدون حکم قانونی، حق حضور در دادگاه برای پاسخگویی به اظهارنامه کتبی در برابر اتهامات، حق

۱. در خصوص یک سؤال اساسی و آن اینکه تهیه‌کنندگان یک قانون در زمینه جرم دیپلماتیک، می‌توانند بررسی کنند که چه جنایاتی به‌طور جهانی در هر کشور ممنوع است. به همین ترتیب، پس از ارتکاب یک عمل، دیوان بین‌المللی دیپلماتیک می‌تواند بررسی کند، آیا چنین رفتاری که در کشور پذیرنده انجام می‌شود، در کشور فرستنده غیرقانونی است یا خیر. اگر دیوان تشخیص دهد که دیپلمات در صورت ارتکاب آن عمل در کشور فرستنده مجرم خواهد بود، طبق حقوق بین‌الملل پس مجرم است. رایت، اشاره دارد به اینکه هدف اصلی تهیه‌کنندگان معاهده، اعطای مصونیت کیفری نبوده و اعطای مصونیت به دیپلمات‌ها از لحاظ تعقیب کیفری در طول تهیه پیش نویس کنوانسیون وین همچنان به‌دقت مورد بحث قرار گرفته است. رایت بیان می‌کند که در طول تهیه پیش‌نویس، پیشنهادهای متعددی برای محدود کردن مصونیت دیپلماتیک در زمینه اقدامات مجرمانه ارائه شد. رایت همچنین استدلال می‌کند که کنوانسیون دامنه اصلی حقوق عرفی را در زمینه مصونیت افزایش داده است.

بازجویی متقابل و نیز حق محاکمه علنی و سریع است (Rome Statute of the International Criminal Court, July 17, 1998, art.64). بهترین راه حل در زمینه مشکل جرائم دیپلماتیک، اصلاح کنوانسیون وین است تا به یک دیوان دیپلماتیک وابسته به دیوان کیفری بین‌المللی اجازه دهد دیپلمات‌هایی را که مرتکب جرم شده‌اند، محاکمه و مجازات کند (Morris, 2007: 634). دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک پیشنهادی مرجع رسیدگی‌ای را فراهم می‌کند که به مجازات دیپلمات‌ها می‌پردازد و همزمان آنها را از حقوق مربوط به رعایت تشریفات دادرسی برخوردار می‌کند. حمایت‌های بیشتری را برای جلوگیری از ایجاد نتیجه‌ای ناعادلانه می‌توان در نظر گرفت. یکی از این حمایت‌هایی که می‌توان اعمال کرد این است که درصد معینی از قضات با متهم تابعیت مشترک داشته باشند. بنابراین، اگر قرار باشد دیپلمات متبوع کشوری محاکمه شود، می‌تواند مقتضی این باشد که تعدادی از قضات نیز تبعه همان کشور باشند. حمایت دیگر، محق دانستن کشور دیپلمات، برای اعتراض در زمینه اتهامات قبل از شروع محاکمه است. علاوه بر این، دیپلمات‌ها می‌توانند این گزینه را انتخاب کنند که آن مدت زندانی را بگذرانند که در کشور خود، به آن محکوم شده‌اند. در نهایت، از آنجایی که دیوان پیشنهادی مبتنی بر یک معاهده خواهد بود، هر دولتی می‌تواند در هر زمان، در صورتی که احساس کند با دیپلمات‌هایش ناعادلانه رفتار می‌شود یا به‌طور مداوم برای آنها مجازات در نظر گرفته شده است، این معاهده را رد کند. یک دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک واقعیت‌های دنیای مدرن را به رسمیت می‌شناسد و در عین حال از حقوق بین‌الملل و برابری ملت‌ها نیز حمایت می‌کند (Morris, 2007: 634-635). در واقع، دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک، یک دیوان بین‌المللی دیپلماتیک است که در آن جنبه کیفری توأم با جنبه حقوقی یعنی تعیین غرامت برای قربانی جرم دیپلماتیک رسیدگی می‌شود. ماهیت داوطلبانه دیوان به حفظ برابری کشورها منجر می‌شود و هر ملتی با دیگری رفتاری برابر خواهد داشت. دولت‌ها صلاحیت قضایی نسبت به دیپلمات‌ها را به دیوانی تسلیم خواهند کرد که قضات دارای بینش در آن رأی خواهند داد (Morris, 2007: 635). احکام قضات به دکتربین‌های حقوقی تثبیت شده و شناخته شده‌ای بستگی دارد که توسط شرکت‌کنندگان در معاهده مورد مذاکره قرار می‌گیرد (Groff, 2000: 228-229).

در نهایت، این واقعیت که دیوان بین‌المللی دیپلماتیک تحت عنوان دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک پیشنهادی مکمل رژیم موجود در کنوانسیون وین است نه جایگزین، تضمین دو نتیجه مهم است؛ اول، اینکه تضمین می‌کند که با دیپلمات‌های جنایتکار با عدالت برخورد شود و دیپلمات باید پاسخگوی جرائم خود باشد (Morris, 2007: 635-636). به‌طور خلاصه، ایجاد یک دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک بر اساس حقوق بین‌الملل خواهد بود و مشکلات اساسی مرتبط با هر یک از پیشنهادها مذکور را حل می‌کند. با این حال، ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی دیپلماتیک طبق معاهده چندجانبه که روند قضایی عادلانه را فراهم می‌کند، این نگرانی‌ها را به‌طور کامل از بین می‌برد. این طرح

به هزینه و سرمایه گذاری هنگفتی نیاز ندارد؛ در نهایت و شاید مهم تر از همه اینکه فراهم کردن فرصتی برای دولت آسیب دیده در زمینه درخواست محاکمه و مجازات یک دیپلمات اعزام شده به مأموریت، دیپلمات ها را مجبور کند تا در قبال جرائم خود پاسخگو باشند. همچنین به قربانیان جرائم گزارش نشده اطمینان دهد تا بی شک بدانند که مرتکب نمی تواند با سوءاستفاده از مصونیت از اتهامات و مجازات فرار کند. بنابراین اعطای صلاحیت تکمیلی به دیوان کیفری بین المللی دیپلماتیک پیشنهادی در خصوص جرائم و مجازات دیپلماتیک به عنوان یک بازدارنده واقعی و جدی هم نسبت به دیپلمات های جنایتکار و هم نسبت به دیپلمات های تروریست عمل می کند. این نوعی راه حل است که کنوانسیون وین در حال حاضر نمی تواند آن را تضمین کند (Morris, 2007: 636-637). ایجاد دیوان کیفری بین المللی دیپلماتیک پیشنهادی ضروری است تا اطمینان حاصل شود که دیپلمات های جنایتکار، در پاسخ به جرم و جنایات خود قطعاً با عدالت مواجه خواهند شد. دیوان کیفری بین المللی دیپلماتیک پیشنهادی دارای ساختار و صلاحیت و تشکیلات دادرسی همانند دیوان کیفری بین المللی خواهد بود. در زیر به مواردی از راهکارها در رسیدگی به جرائم دیپلماتیک می پردازیم:

۱. تغییر حقوق در زمینه مصونیت دیپلماتیک در کشورها می تواند با تصویب یک قانون موضوعه متداول، حاصل شود. در سال ۱۹۸۸، لایحه ای درباره چشم پوشی از مصونیت دیپلماتیک توسط کمیته روابط خارجی سنای آمریکا بررسی شد که برای رأی گیری به مجلس سنا منتقل شد (Hickey & Fisch, 1990: 351-53). اگرچه این پیشنهاد هرگز به قانون تبدیل نشد (McDonough, 1997: 429) اما گویای طریقی است که نشان می دهد چگونه حقوق دیپلماتیک در زمینه مصونیت در این کشور را می توان به سادگی با تصویب قوانین موضوعه تغییر داد. بنابراین، قوانینی مانند طرح پیشنهادی در سال ۱۹۸۸، مقرر می کرد که دیپلمات ها در خصوص هر جنایت خشونت آمیز، در زمینه قاچاق مواد مخدر، رانندگی با بی احتیاطی، رانندگی در حالت مستی یا تحت تأثیر الکل یا مواد مخدر، استحقاق مصونیت از صلاحیت کیفری دولت پذیرنده را ندارند (Hickey & Fisch, 1990: 352). افزون بر این اگر کنگره بخواهد اعمال حقوق دیپلماتیک در زمینه مصونیت را حتی بیشتر محدود کند، می تواند در عوض قانونی را تصویب کند که در سیاق کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی (Vienna Convention on Consular Relations, Apr. 24, 1963) در خصوص دیپلمات ها نیز بکار رود.

۲. طرح های غرامت پولی برای قربانیان جنایات دیپلماتیک ایده رایجی است که طبق قانون اساسی کشورهاست. برخی کشورها نوعی الزام را پیشنهاد کرده اند تا برای دیپلمات های خود طرح های بیمه ببندند (Farhang, 1986: 1538). برخی دیگر معتقدند که کشورها باید از طریق یک صندوق، غرامت بین المللی برای قربانیان جرائم دیپلماتیک بپردازند. هنوز برخی اصرار دارند که اقدام مناسب تنها اعمال تحریم های اقتصادی یا قطع روابط با کشورهایی است که دیپلمات هایشان قوانین را زیر پا می گذارند.



۳. یکی از راه‌حل‌های ممکن که نسبت به مشکل جرائم دیپلماتیک توصیه می‌شود، ایجاد دیوان دیپلماتیک ویژه در دیوان بین‌المللی کیفری است. این دیوان دیپلمات‌هایی را که متهم به اقدامات جنایتکارانه‌اند، محاکمه و آنها را بر این اساس مجازات می‌کند (Groff, 2000: 211-212). دیوان بین‌المللی کیفری دیپلماتیک می‌تواند برای پر کردن خلأهایی وجود داشته باشد که در حال حاضر در کنوانسیون وین شاهد آن هستیم. به این ترتیب، دقیقاً مانند دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان بین‌المللی کیفری دیپلماتیک پیشنهادی باید صلاحیت تعقیب دیپلمات متهم را تنها در صورتی داشته باشد که کشور آسیب‌دیده بخواهد از دیوان کمک بگیرد (MacPherson, 1998). دیپلمات‌ها را می‌توان به دیوان بین‌المللی کیفری دیپلماتیک استرداد کرد، زیرا آنها به نقض حقوق بین‌الملل متهم شده‌اند.

### ۵.۳. تحویل دیپلمات متهم به دیوان

تحویل دیپلمات متهم می‌تواند به طرق زیر باشد:

۱. دیوان می‌تواند با ارسال مدارک و مستندات، از دولتی که شخص دیپلمات تحت تعقیب ممکن است در سرزمین آن یافت شود، بخواهد که شخص مزبور را دستگیر کند و به دیوان تحویل دهد. از این رو همکاری دولت مزبور را برای دستگیری و تحویل آن شخص درخواست کند. دولت‌های عضو به درخواست دستگیری و تحویل، مطابق با آیینی پاسخ خواهند داد که در قوانین ملی آنها پیش‌بینی شده است.
۲. هر گاه شخصی که تحویل وی درخواست شده است به محاکم ملی مراجعه و به استناد اصل امر مختوم اعتراض کند، دولت مورد درخواست بلافاصله از دیوان سؤال خواهد کرد که آیا دیوان در خصوص قابل پذیرش بودن شکایت تصمیمی اتخاذ کرده است یا خیر.

### ۵.۳.۱. برخورداری دیپلمات متهم از حقوق دفاعی در دیوان

برای احراز هر اتهامی، دیپلمات متهم این حق را دارد که به صورت علنی، منصفانه، بی‌طرفانه و با رعایت حداقل تضمینات در مساوات کامل محاکمه شود؛ به زبانی که متهم کاملاً مسلط و با آن صحبت می‌کند، فوراً و دقیقاً از ماهیت، سبب و محتوای اتهام مطلع شود، وقت کافی و امکانات لازم به او داده شود تا دفاع خود را تدارک ببیند. از این رو آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می‌کند، ارتباط داشته باشد و بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود تا به‌منظور انجام امر دفاع شخصاً یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و مطلع شود که اگر از مشاورت حقوقی بهره‌مند نیست، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که دیوان در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می‌کند، حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه‌های مربوط را نداشته باشد، بهره‌مند شود؛ از شهودی که علیه وی معرفی

شده اند، رأساً یا توسط دیگری سؤالاتی کند و مطابق همان شرایطی که شهود علیه وی داشته اند، شهود خود را در جلسه حاضر کرده و از آنها سؤال کند. اگر رسیدگی دیوان یا مدارکی که در محاکمه ارائه می‌شود به زبان دیگری غیر از زبانی است که متهم صحبت می‌کند، وی می‌تواند به صورت رایگان از مساعدت مترجم کارآمد و همچنین متون و پرونده‌هایی که در محاکمه منصفانه لازم است، بهره‌مند شود. متهم مجبور به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون اینکه سکوت وی به منزله اعتراف یا انکار تلقی شود. او می‌تواند بدون اینکه سوگند یاد کند، لایحه‌ای کتبی و بیانیه‌ای شفاهی ارائه دهد. هیچ‌گونه تکلیف متقابلی به منظور اثبات ادله یا تکلیف در رد آنها بر متهم تحمیل نمی‌شود. علاوه بر موارد دیگری که در زمینه ارائه مستندات به متهم مقرر شده، دادستان باید به محض آنکه امکان پذیر شد، مستنداتی را که در اختیار یا تحت کنترل خود داشته و معتقد است مبین بی‌گناهی متهم است یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد یا بر اعتبار مستندات بازجویی تأثیر می‌گذارد، به متهم ارائه دهد. در صورت تردید در شمول یا عدم شمول این مقرره، اتخاذ تصمیم با دیوان خواهد بود.

### ۵.۳.۲. تعهد عمومی به همکاری

مطابق مقررات اساسنامه احتمالی دیوان، دولت‌های عضو در انجام تحقیق و تعقیب جرائمی که به صلاحیت دیوان مربوط است، کمال همکاری را با دیوان به عمل خواهند آورد.

### ۶. نتیجه

با توجه به اینکه جنایات و سوءرفتارهای دیپلماتیک اخیراً در حال افزایش است، سبب نگرانی است. اصل مصونیت دیپلماتیک یک اصل تثبیت شده در حقوق بین‌الملل است. این یک واقعیت جهانی است که دیپلماسی یک حقیقت اساسی در زندگی بین‌المللی است و بدون آن زندگی بین‌المللی در معرض خطر خواهد بود. سوءاستفاده از امتیازها و مصونیت‌ها توسط دیپلمات‌ها و نیز دولت‌ها، یکی از چالش‌های اصلی در پیشروی موفقیت کنوانسیون وین است. حاکمیت قانون ایجاب می‌کند حتی جنایاتی که توسط دیپلمات‌ها ارتکاب یافته است، به درستی ثبت شوند. با این حال، بیشتر اوقات مشکلات به دلیل تفسیرهای موسع توسط دولت‌ها از مصونیت‌ها و امتیازات حتی بیشتر نیز شده است. بنابراین، کنوانسیون وین تأکید می‌کند که هدف از حمایت دیپلماتیک «تضمین انجام کارآمد وظایف توسط مأموران دیپلماتیک به‌عنوان نماینده دولت‌ها» است. حقوق مربوط به مصونیت دیپلماتیک خود امکان سوءاستفاده از آن را پیش‌بینی می‌کند، از این رو ابزارهایی را مشخص می‌کند که در اختیار دولت پذیرنده برای مقابله با چنین سوءاستفاده‌هایی است. دولت پذیرنده گزینه‌هایی از جمله اعلام شخص به‌عنوان عنصر نامطلوب و

چشم‌پوشی از امتیازها و مصونیت‌ها توسط دولت فرستنده را در اختیار دارد. اگرچه این گزینه‌ها در عمل برای دولت‌ها چندان مؤثر نیستند و تفسیر موسع از این اختیارات، به‌عنوان گزینه‌ای برای مقابله با تهدیدات، در زمینه سوءاستفاده از امتیازات و مصونیت‌های دیپلماتیک چاره‌ساز نیست. در این شرایط، ممکن است توصیه شود که هرگونه استثنا از مفهوم مصونیت دیپلماتیک بهتر است به‌صورت محدود و در راستای اهداف و مقاصد کنوانسیون وین تفسیر شود. لازم است با اصلاح کنوانسیون وین و حقوق داخلی کشورها در زمینه حقوق دیپلماتیک و ایجاد یک دیوان بین‌المللی دیپلماتیک به‌منظور کاهش هرچه بیشتر جرائم ارتكابی توسط دیپلمات‌ها به‌علت سوءاستفاده‌های رایج آنها از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک در جهت بهبود عملکرد دیپلمات‌ها و اعاده وضع قربانی جرم به حال سابق گام برداشت.

## منابع

### ۱. فارسی

۱. ابراهیمی، ناهید؛ شریفیان، جمشید؛ زندی، فرزانه (۱۳۹۹). حمایت دیپلماتیک از اشخاص حقوقی زیان‌دیده با تأکید بر خسارت شرکتهای تجاری از سوی دول بیگانه. *مجله پژوهش و مطالعات اسلامی*، ۲ (۱۵)، ۱۰۶-۱۳۱.
۲. جهانگیری، نبی‌اله (۱۳۹۷). مصونیت دیپلماتیک از منظر فقه. *مجله معارف قرآن و عترت*، ۴ (۸)، ۱۹۹-۲۲۳.
۳. رشید گرمی، آمنه؛ عباسپور، دانیال؛ مهدوی، مهناز؛ آشتیانی، مهدی مسعود (۱۴۰۱). مسئولیت کیفری تعرض به سفارت‌خانه‌ها در حقوق کیفری ایران و فقه اسلامی. *مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، (۲۷)، ۱۵۹۶-۱۶۱۲.
۴. شبان‌نیا رکن‌آبادی، قاسم (۱۴۰۰). بررسی ادله فقهی مصونیت دیپلماتیک در کشور اسلامی. *مجله حکومت اسلامی*، (۱۰۲)، ۱۴۷-۱۷۲.
۵. موسی‌زاده. رضا و رضایی استخرویه، محمد (۱۳۹۴). تحول مفهوم مصونیت دیپلماتیک: ملاحظات امنیتی و حقوق بشری. *مجله امنیت پژوهی*، (۵۲)، ۱۸۹-۲۱۶.

### ۲. انگلیسی

1. Cassel, P. (2012). *Grounds of Judgment: Extraterritoriality and Imperial Power in Nineteenth-Century China and Japan*; (Oxford Studies in International History)- U.K, Oxford University Press.
2. Denza, E. (2008). *Diplomatic Law: A Commentary on The Vienna Convention on Diplomatic Relations*. (3rd ed.), 112-13-U. K, Oxford University Press.
3. Eze. O. (2012). *Vienna Convention in Perspective*. Lagos- Nigeria, Golden Publishers.
4. Grotius, H. (2005). *The Rights of War and Peace*. Vol.1(Book 1)- U.K., Cambridge University Press
5. Vark. B. (2012). *Personal Inviolability and Diplomatic Immunity in Respect of Serious Crimes*. - Accra, Ghana International Press Centre, Abdul Press.

**B) Articles**

6. Farhangi, L. S. (1986). Note, Insuring Against Abuse of Diplomatic Immunity. *Stanford Law Review*, (38), 1517-1519.
7. Friedrich, K. (2007). Note, Statutes of Liberty? Seeking Justice Under United States Law When Diplomats Traffic in Persons. *Brooklyn Law Review*, (72), 1139- 1160.
8. Groff, J. D. (2000). Note, A Proposal for Diplomatic Accountability Using the Jurisdiction of the International Criminal Court.' The Decline of an Absolute Sovereign Right. *Temple International & Comparative Law Journal*, (14), 209- 218.
9. Hickey, Jr. James E. & Fisch, A. (1990). The Case to Presewe Criminal Jurisdiction Immunity Accorded Foreign Diplomatic and Consular Personnel in the United States. *Hastings Law Journal*, (41), 351- 356.
10. MacPherson, B. F. (1998). Building an International Criminal Court for the 21st Century. *Connecticut Journal of International Law*, (13), 1-38.
11. McDonough, M. B. (1997). Privileged Outlaws. Diplomats, Crime and Immunity. *Suffolk Transnational Law Review*, (20), 475-78.
12. Morris, W. G. (2007). Constitutional Solutions to the Problem of Diplomatic Crime and Immunity. *Hofstra Law Review*, (36), 610-637.
13. Randall, K. C. (1988). Universal Jurisdiction Under International Law. *Texas Law Review*, (66), 785- 830.
14. Udeoji Ebele Angela & Ochoga Edwin Ochoga. (2023). The Abuse of Diplomatic Immunities Among States: Issues and Challenges. *Wukari International Studies Journal*, (7), 275-282.
15. Wright, S, L. (1987). Note, Restricting Diplomatic Immunity to Deter Violent Criminal Acts. - A Proposal for Amending the Vienna Convention. *Boston University International Law Journal*, (5), 177- 184.
16. Zaid, M. S. (1998). The Question of Diplomatic Immunity. To Have or Not to Have, Thai Is the Question. *Ilsa Journal of International & Comparative Law*, (4), 623-628.

**C) Documents**

17. United State Constitution. art. II, § 2
18. Vienna Convention on Diplomatic Relations, Apr. 18, 1961, 23 U.S.T. 3227, 500 U.N. T.S. 95 [hereinafter Vienna Convention].
19. Vienna Convention on Consular Relations, Apr. 24, 1963, 21 U.S.T. 77, 596 U.N.T.S. 261 [hereinafter Consular Relations Convention]; Agreement Regarding the Headquarters of the United Nations, June 25, 1945, 61 Stat. 3416, 11 U.N.T.S. 11 [hereinafter Headquarters Agreement].
20. Rome Statute of the International Criminal Court, July 17, 1998, 2187; U.N.T.S. 90, arts.2, 20, 22, 55, 66, 58, 64, 67. [hereinafter Rome Statute].